

بررسی پیکره‌بنیاد و ویژگیهای کلامی فاعل و مفعول در زبان فارسی

محمد راسخ‌مهند

چکیده

در این پژوهش سعی شده است با بهره‌گیری از دیدگاه پرنس (1981، 1992) به تفاوت کلامی فاعل و مفعول در فارسی بپردازیم. در این بررسی فاعل و مفعول‌های فارسی را با استفاده از جایگاه اطلاعی آنها مورد مطالعه قرار داده ایم. هدف از این بررسی این بوده که دریابیم میان فاعل و مفعول چه تفاوت کلامی وجود دارد و آیا فاعلها اکثراً از اسامی اشاره شده که برای شنونده قابل دسترسی هستند تشکیل می‌شوند و یا اسامی جدید نیز به عنوان فاعل به کار می‌رود. پیکره مورد مطالعه در این بررسی از لایه‌های مختلف زبان فارسی شامل داستان کوتاه، معاصر، فیلم، متون مطبوعاتی و اخبار انتخاب شده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که اکثر فاعلها در متون مختلف فاعل اشاره شده هستند که این موضوع در مورد داستان و فیلم سینمایی بسیار چشمگیر است. اما در مورد سبکهای رسمی، یعنی روزنامه و اخبار، نسبت فاعل اشاره شده و فاعل جدید تقریباً برابر است. در مورد مفعولها در سبکهای غیررسمی باز هم میزان مفعولهای اشاره شده بیشتر از مفعولهای جدید و حدس زدن است، اما در مورد سبکهای رسمی این موضوع برعکس است. در واقع در این متون اکثر مفعولها اسامی جدید هستند و کمتر از اسامی اشاره شده استفاده می‌شود. نکته دیگری که باید اذعان کرد این است که این گرایشها که در طیفهای چهارگانه فوق قابل مشاهده است ارتباطی به نوشتاری یا گفتاری بودن متون ندارد بلکه سبک زبان بر آنها تاثیر دارد. همچنین اکثر فاعلها اشاره شده و اکثر مفعولها جدید هستند. و در مجموع تعداد اسامی اشاره شده بیش از دو مقوله دیگر است. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت اکثر فاعلها دارای اطلاع نو نیستند به همین علت از اسم اشاره شده برای آنها استفاده می‌شود ولی نیمی از مفعولها دارای اطلاع نو هستند به همین دلیل از اسامی جدید و حدس زدن برای اشاره به آنها استفاده می‌شود.

1 مقدمه

در این پژوهش سعی شده است با بهره‌گیری از دیدگاه پرنس (1981، 1992) به تفاوت کلامی فاعل و مفعول در فارسی بپردازیم. در این بررسی فاعل و مفعول‌های فارسی را با استفاده از جایگاه اطلاعی آنها مورد مطالعه قرار می‌دهیم. هدف از این بررسی این بوده که دریابیم میان فاعل و مفعول چه تفاوت کلامی وجود دارد و آیا فاعلها اکثراً از اسامی اشاره شده که برای شنونده قابل دسترسی هستند تشکیل می‌شوند و یا اسامی جدید نیز به عنوان فاعل به کار می‌رود. در این بررسی هم جملاتی که دارای آرایش واژگانی بی‌نشان فارسی (فاعل - مفعول - فعل) هستند و هم آنهایی که آرایش واژگانی نشان‌دار دارند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پیکره مورد مطالعه در این بررسی از لایه‌های مختلف زبان فارسی است که به طور تصادفی انتخاب

شده‌اند. این متون شامل داستان کوتاه، فیلم، روزنامه و اخبار می‌باشند. این پژوهش سعی دارد علاوه بر تحلیل کلامی فاعل و مفعول، به بررسی تفاوت‌های کلامی فاعل و مفعول در نوشتار و گفتار و سبک‌های مختلف زبانی نیز بپردازد. مقاله حاضر در چهار بخش تدوین شده است. پس از مقدمه حاضر که به معرفی موضوع، اهداف، شیوه و ساختار پژوهش اختصاص دارد، در بخش دوم به پیشینه مطالعات مربوط و همچنین مبانی نظری بررسی‌های کلامی و تحلیل متن پرداخته شده است. دیدگاه‌های پرینس (1981، 1992) که بنیاد نظری بررسی حاضر را تشکیل می‌دهد در همین بخش آمده است. بخش سوم به تحلیل آماری داده‌ها و نتایج نظری پی‌آمد آن پرداخته است و بخش چهارم نتیجه‌گیری مباحث است.

2 ساخت اطلاعی

هر جمله از حیث دستوری از فاعل، مفعول، فعل، قید و غیره تشکیل شده است. به لحاظ کاربردشناختی نیز جمله ساختاری مشابه با ساخت دستوری دارد. این ساخت را "ساخت اطلاعی" می‌گویند. به بیان دیگر، ساخت اطلاعی جمله بازنمون اطلاعات کلامی و کاربردی در سطح جمله است که می‌تواند بسته به نحوه‌ی رابطه‌ی جمله با کلام دارای ویژگی‌های مختلفی باشد. ساخت اطلاعی تعامل میان ساخت نحوی جملات و حالات ذهنی گویندگان و شنوندگان است که در آن گویندگان، با بافت حاضر و همچنین موقعیت ذهنی شنوندگان خود در ارتباط هستند (لمبرخت، 1994). ولدووی ساخت اطلاعی جمله را به دو بخش تأکید و زمینه تقسیم می‌کند. وی تأکید را شامل اطلاع نو و زمینه را شامل اطلاع کهنه یا مفروض می‌داند. اطلاع نو، اطلاعی است که به دانش قبلی شنونده اضافه می‌شود، اما اطلاع کهنه، اطلاعی است که راه را برای درک اطلاع نو یا تأکید هموار می‌سازد و بر دانش قبلی شنونده نمی‌افزاید (راسخ‌مهند 1383 ج).

مفاهیم تأکید و مبتدا در کل نظام زبان دارای نقش هستند. این مفاهیم از سویی با آواشناسی زبان و جایگاه تکیه در جمله در ارتباطند و از سوی دیگر می‌توانند بر معنای جمله تأثیر بگذارند و نیز می‌توانند در ساخت نحوی و آرایش واژگانی جمله دخیل باشند و آن را تغییر دهند. مبتدا و تأکید به ساخت اطلاعی جمله مربوطند. بنا به تعریف دی‌سوارت و دی‌هوپ (1995) تأکید "اطلاع نو" و مبتدا "اطلاع کهنه" در جمله می‌باشند. تأکید اطلاعی است که در پاسخ به پرسشی آورده می‌شود. اما مبتدا اطلاع مشترک میان پرسش و پاسخ است. تأکید را به دو نوع اطلاعی و تقابلی تقسیم می‌کنند (راسخ‌مهند 1382). تأکید اطلاعی همانطور که از نامش پیداست نقش اطلاع رسانی را در جمله داراست و بی‌نشان‌ترین حالت تأکید است. در برخی از زبان‌ها تأکید بی‌نشان در جمله دارای جایگاه نحوی خاصی است. همچنین برخی ساخت‌های نحوی مانند جملات اسنادی‌شده، جملات شبه‌اسنادی‌شده، و جملات مقلوب در نشان دادن تأکید جمله نقش دارند. پس تأکید علاوه بر آن که مفهومی کلامی و آوایی است به ساخت نحوی جمله نیز ربط دارد (راسخ‌مهند 1382).

2-1 طرح رده‌بندی اطلاع نو و کهنه

پرینس (1981) بر این باور است که در جملات تمام زبان‌ها نوعی عدم تقارن اطلاعی وجود دارد، به این معنی که بخش‌هایی از جمله نسبت به بخش‌های دیگر دارای اطلاع کهنه‌تر یا نوتر می‌باشند. و دسته‌بندی اطلاعی جمله، یعنی این که چه بخشی را دارای اطلاع نو و چه بخشی را دارای اطلاع کهنه بدانیم، بر اساس فرضیات گوینده درباره میزان اطلاعات قبلی شنونده انجام می‌گیرد (پرینس 1981، ص 224). بحث اطلاع کهنه و نو هم در سطح جمله و هم در سطح متن از سوی زبان‌شناسان زیادی مانند بولینجر، چیف، چامسکی، کلارک، هورن، جکنداف و کونو مطرح شده است (پرینس 1981 ص 225، ولدووی 1992). پرینس

ابتدا نگرش‌های مختلف درباره اطلاع نو و کهنه را بررسی نموده و بر این نکته تاکید می‌ورزد که مفهوم اطلاع کهنه و نو در میان زبان‌شناسان مختلف به یک گونه درک نشده است، به همین دلیل افراد مختلف اطلاع کهنه و نو را بر اساس معیارهایی مانند قابل پیش‌بینی بودن (کونو 1972، هالیدی 1967)، برجستگی (جیف 1976) و دانش مشترک (کلارک و هاویلند 1977) تقسیم‌بندی کرده‌اند. همچنین کونو (1979) اصل از اطلاع کهنه به نو را مطرح ساخته به این معنی که تمایل همگانی در زبانها بر این است که ابتدا اطلاع کهنه و سپس اطلاع نو را در جمله بیاورند. به عبارت دیگر ترتیب اطلاع کهنه به اضافه اطلاع نو در جمله بی‌نشان است.

پرینس (1981) در ادامه به درجه‌بندی از میزان آشنابودن [Assumed Familiarity] گروه‌های اسمی برای شنونده می‌پردازد. میزان آشنا بودن اصطلاحی است که او به جای دانش مشترک میان شنونده و گوینده از آن استفاده می‌کند. بحث کهنه و نو بودن در متن در مورد ارجاع‌های گروه‌های اسمی به کار می‌رود. او سه درجه میزان آشنا بودن را برای اسمی در نظر می‌گیرد: جدید، حدس‌زدنی [inferable] و مورد اشاره واقع شده [evoked]. بر این اساس اسمی جدیدانهایی هستند که گوینده و شنونده را وادار می‌کند در متن از آنها استفاده کند، یعنی ارجاع آنها را پیدا کند. این اسمی می‌توانند جدید معین [unused]، جدید نامعین معرفه‌نشده [unanchored] و یا جدید نامعین معرفه‌شده [anchored] باشند. مثال‌های (1) از خزاعی فر (1383 ص 35) برگرفته شده است.

1. الف. جدید معین: فردوسی در این مورد تعبیر جالبی دارد. (فردوسی قبلاً در متن نیامده اما گوینده فرض را بر این می‌گذارد که شنونده وی را می‌شناسد).

ب. جدید نامعین معرفه‌نشده: دیروز با مردی در اتوبوس آشنا شدم.

ج. جدید نامعین معرفه‌شده: ماشینی که علی سوار شده خیلی گران است. (بند موصولی ماشینی را معرفه کرده است).

از طرف دیگر اسمی مورد اشاره واقع شده‌انهایی هستند که به گونه‌ای قبلاً در کلام حاضر بوده‌اند و یا در موقعیت گفتگو [situation] وجود دارند. این اسمی بر دو نوع‌اند: اشاره شده در متن [textually evoked] و اشاره شده در موقعیت گفتگو [situationally evoked]. مثال‌های (2) این موارد را نشان می‌دهد.

2. الف. اشاره شده در متن: امروز به یکی از دوستان قدیمی‌ام برخورددم. اولش مرا نشناخت.

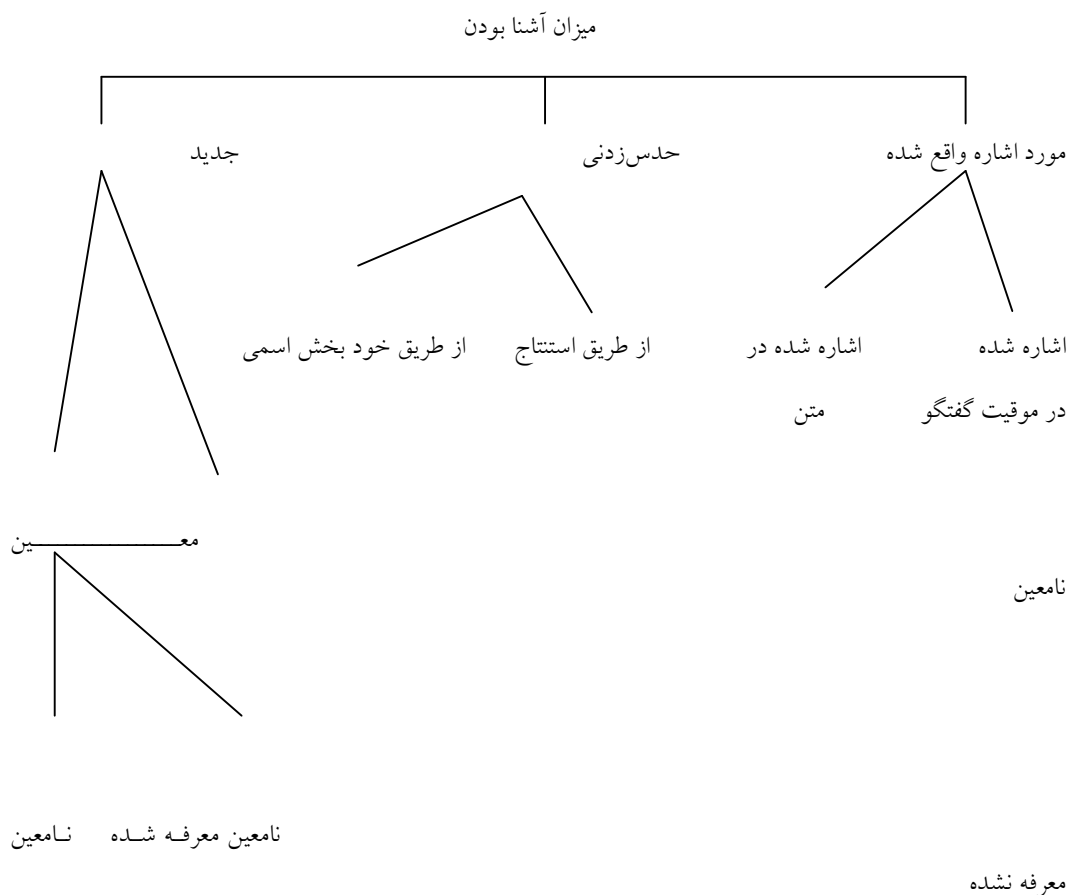
ب. اشاره شده در موقعیت گفتگو: ببخشید شما می‌دانید اداره پست کجاست؟

گروه سوم اسمی حدس‌زدنی هستند که گوینده فکر می‌کند شنونده می‌تواند آنها را چه از راه استنتاج و چه از طریق اسمی مورد اشاره واقع شده در متن حدس بزند. این اسمی بر دو نوع‌اند: حدس‌زدنی از طریق خود بخش اسمی [containing inferable] و حدس‌زدنی از طریق استنتاج [non-containing inferable]. مثال‌های (3) از این دو مورد است.

3. الف. حدس‌زدنی از طریق استنتاج: دیروز پدرت را دیدم. پیرمرد خیلی شکسته شده.

ب. حدس‌زدنی از طریق خود بخش اسمی: یکی از تخم‌مرغ‌ها شکسته.

نمودار (4) تقسیم‌بندی پرینس (1981) از میزان آشنا بودن گروه‌های اسمی را به طور کامل نشان می‌دهد



معرفه نشده

نمودار 4- طرح پرنس از میزان آشنا بودن

2-2 اطلاع نو و کهنه شنونده بنیاد و بافت بنیاد

پرنس (1992) با تحلیل یک متن به تفاوت‌های کلامی میان اسامی در نقش فاعل و اسامی در نقش غیرفاعل پرداخته است. وی دو ملاک را در این بررسی لحاظ نموده است: معرفگی، به عنوان ملاکی صوری و وضعیت اطلاعی اسم، بر اساس طبقه‌بندی‌ای که در بخش (1-2) بر اساس مدل پرنس (1981) ارائه شد. فرضیه‌ای که پرنس (1992) بررسی می‌کند این ادعا است که فاعل‌ها اکثراً معرفه هستند و هم‌چنین دارای اطلاع کهنه می‌باشند. به عبارت دیگر تعیین رخداد گروه‌های اسمی در نقش فاعل و غیرفاعل به ویژگی‌هایی مانند معرفگی و وضعیت اطلاعی آنها بستگی دارد. البته پرنس فقط فاعل‌ها را در جملات بی‌نشان بررسی کرده است. پژوهش حاضر علاوه بر بررسی چند متون از لایه‌های مختلف زبان فارسی، این ویژگی‌ها را در مورد تمام گروه‌های اسمی، چه در جملات بی‌نشان و چه نشان‌دار، بررسی می‌کند.

اطلاعات درون جمله می تواند، بنا به نظر گوینده درباره میزان اطلاعات شنونده، کهنه یا نو باشد. به این ترتیب وقتی گوینده جمله (5) الف را بیان می کند فرض می کند که شنونده "احمد" را می شناسد و "احمد" برای شنونده اطلاع کهنه به حساب می آید. اما در جمله (5) ب گوینده می داند که "یک نفر در شیراز" برای شنونده ناشناخته است و اطلاع نو به شمار می رود. پرینس (1992) برای اشاره به اطلاع کهنه در (5) الف از اصطلاح اطلاع کهنه شنونده بنیاد [hearer old] و برای اطلاع نو در (5) ب از اصطلاح اطلاع نو شنونده بنیاد [hearer new] استفاده می کند.

5. الف. می خواهم فردا به احمد تلفن بزنم.

ب. می خواهم فردا به یک نفر در شیراز تلفن بزنم.

پرینس با تلفیق اطلاع نو و کهنه شنونده-بنیاد و بافت بنیاد، و بر اساس مفاهیم مطرح در پرینس (1981)، به تقسیم بندی مطرح در جدول (6) رسیده است. به این ترتیب گروه های اسمی جدید نامعین (معرفه شده یا نشده) هم به لحاظ بافت و هم به لحاظ شنونده اطلاع نو هستند (مانند **مردی** و **ماشینی** در مثال های 1 ب و ج). گروه های اسمی جدید معین از حیث شنونده اطلاع کهنه و از حیث بافت اطلاع نو هستند (مانند **فردوسی** در مثال 1 الف). از طرفی گروه های اسمی اشاره شده در متن (چه متنی و چه موقعیت گفتگو) (مانند **مرا** و **شما** در 2 الف و ب)، از حیث بافت و شنونده اطلاع کهنه هستند. و البته موردی نیست که از حیث بافت اطلاع جدید و از حیث شنونده اطلاع کهنه باشد. وی گروه اسمی حدس زدنی را در طبقه ای جدا قرار داده که بر اساس بافت گاهی می تواند اطلاع نو و گاهی کهنه باشند. اما به هر دلیل آنها را در این تقسیم بندی جداگانه فرض کرده است.

کهنه بافت بنیاد	نو بافت بنیاد	
ندارد	اسم جدید نامعین مردی، ماشینی	نو شنونده-بنیاد
اسامی مورد اشاره مرا، شما	اسم جدید معین فردوسی	کهنه شنونده-بنیاد

جدول 6- اطلاع نو / کهنه شنونده/بافت بنیاد

3 تحلیل داده ها

در این بخش، بر پایه مباحث نظری مطرح شده در بخش (2)، به تحلیل متونی منتخب از لایه های مختلف زبان فارسی پرداخته شده و ویژگی های کلامی فاعل و مفعول در این متون بر اساس الگوی پرینس (1981, 1992) بررسی شده است. متون انتخاب شده هم گفتاری و هم نوشتاری بوده اند. دو متن گفتاری، یکی اخبار رادیو و دیگری جملائی از یک فیلم سینمایی، و دو متن نوشتاری، داستان کوتاه معاصر و متن روزنامه برای این تحلیل انتخاب شده اند. در بخش (3-1) نتایج تحلیل متون نوشتاری و در بخش (3-2) نتایج تحلیل متون گفتاری به تفصیل شرح داده شده است. داده های حاصل در بخش (3-3) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و شباهت ها و تفاوت های کلامی و معنایی فاعل ها و مفعول ها بحث شده است.

1-3 متون نوشتاری

در این بخش دو متن نوشتاری تجزیه و تحلیل شده است. متن اول بخشی از داستان کوتاه "پیرهن زرشکی" نوشته صادق چوبک است و متن دوم برگزیده ای از متنی در روزنامه است. این دو نمونه از دو سبک زبانی انتخاب شده است. در ادامه داده های حاصل از بررسی این دو متن آورده شده است.

1-1-3 "پیرهن زرشکی"

دویست جمله نخست داستان "پیرهن زرشکی" برای تحلیل انتخاب شده اند. از این تعداد 188 جمله دارای بار اطلاعاتی بوده اند که تحلیل ذیل بر این پایه استوار است و 12 جمله دیگر جملاتی کلیشه ای بوده اند که دارای بار اطلاعاتی نبوده اند و مورد بررسی قرار نگرفته اند. همچنین 25 مورد از این جملات، نشاندار بوده اند و بقیه بی نشان اند. در این جملات 273 گروه اسمی در نقشهای فاعل، مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم ظاهر شده اند. از این میان تعداد فاعل ها 187، مفعول مستقیم 69 و مفعول غیرمستقیم 17 بوده است. جدول (7) نتایج تحلیل و تقسیم بندی گروههای اسمی بر اساس میزان آشنا بودن (پرینس 1981) را نشان می دهد.

میزان آشنا بودن / نقش	فاعل (178 عدد)	مفعول (86 عدد)
اشاره شده	139 عدد	43 عدد
اشاره شده (در متن)	5 عدد	1 عدد
اشاره شده + وصفی	14 عدد	صفر
مجموع	158 عدد - 84/4%	46 عدد - 52%
حدس زدن (با استنتاج)	1 عدد	6 عدد
حدس زدن (از گروه اسمی)	3 عدد	3 عدد
مجموع	4 عدد - 2/1%	9 عدد - 10%
جدید معین	7 عدد	4 عدد
جدد نامعین معرفی شده	7 عدد	17 عدد
جدید نامعین معرفی نشده	5 عدد	11 عدد
جدد نامعین معرفی شده + وصفی	صفر	1 عدد
جدید نامعین معرفی نشده + وصفی	6 عدد	7 عدد
مجموع:	25 عدد - 13/3%	35 عدد - 38%

جدول 7- میزان آشنایی گروههای اسمی در داستان کوتاه "پیرهن زرشکی"

با نگاهی اجمالی به جدول بالا می توان دریافت برای نقش فاعل و مفعول بیشترین تعداد را اسامی اشاره شده تشکیل می دهند. این امر در مورد فاعل ها 84/4% است و و برای مفعول 52% است. اسامی حدس زدنی کمترین تعداد هستند و این امر در مورد فاعل کمتر است. در واقع در این بخش نسبت عکس با بخش اشاره شده برقرار است. در مورد اسامی جدید بیشترین تعداد مربوط به مفعول است و کمترین درصد را فاعل در اختیار دارد. اطلاعات دیگر این جدول در بخش تحلیل داده ها به کار خواهد رفت.

3-2-1 متن روزنامه

دویست جمله از متن روزنامه برای تحلیل انتخاب شده اند. در این جملات 244 فاعل و 211 مفعول وجود داشته است. در میان فاعلها حدود 43 درصد اشاره شده و به همین میزان هم جدید بوده اند و حدود 12 درصد هم حدس زدنی بوده اند. در مورد مفعولها، تعداد مفعولهای اشاره شده بسیار کم و در حدود 17 درصد است ولی مفعولهای جدید و حدس زدنی حدود 82 درصد را دربردارد.

میزان آشنایی / نقش	فاعل	مفعول
اشاره شده	97 عدد	52 عدد
اشاره شده در موقعیت گفتگو	صفر	صفر
اشاره شده + وصفی	9 عدد	5 عدد
مجموع	106 عدد - 43/53%	57 عدد - 17/3%
حدس زدنی (با استنتاج)	8 عدد	13 عدد
حدس زدنی (از گروه اسمی)	29 عدد	68 عدد
مجموع	37 عدد - 12/4%	13 عدد - 25/22%
جدید معین	9 عدد	23 عدد
جدیدنامعین معرفی شده	13 عدد	23 عدد
جدید نامعین معرفی نشده	28 عدد	78 عدد
جدیدنامعین معرفی نشده + وصفی	45 عدد	52 عدد
جدید معین + وصفی	2 عدد	4 عدد
مجموع	99 عدد - 43/5%	180 عدد - 57/3%

جدول 8- میزان آشنایی گروههای اسمی در متن روزنامه

3-2-2 متون گفتاری

در این بخش دو متن گفتاری تجزیه و تحلیل شده است. متن اول بخشی از فیلم "کما" و متن دوم برگزیده ای از اخبار تلویزیونی است. این دو نمونه از دو سبک زبانی انتخاب شده است. در ادامه داده های حاصل از بررسی این دو متن آورده شده است.

3-2-1 فیلم

دویست جمله نخست از فیلم "کما" برای تحلیل انتخاب شده اند که دارای بار اطلاعی بوده اند و تحلیل ذیل بر این پایه استوار است. در این جملات 235 گروه اسمی در نقشهای فاعل، مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم ظاهر شده اند. از این میان تعداد فاعل ها 168، و تعداد مفعولها 67 عدد بوده است. جدول (9) نتایج تحلیل و تقسیم بندی گروههای اسمی بر اساس میزان آشنا بودن (پرینس (1981) را نشان می دهد.

میزان آشنایی / نقش	فاعل	مفعول
اشاره شده	146 عدد	29 عدد
اشاره شده در موقعیت گفتگو	4 عدد	1 عدد
اشاره شده + وصفی	صفر	2 عدد
مجموع	150 عدد - 90/9%	32 عدد - 47/76%
حدس زدنی (با استنتاج)	2 عدد	7 عدد
حدس زدنی (از گروه اسمی)	صفر	صفر
مجموع	2 عدد - 1/21%	7 عدد - 10/44%
جدید معین	1 عدد	4 عدد
جدیدنامعین معرفه شده	6 عدد	10 عدد
جدد نامعین معرفه نشده	6 عدد	12 عدد
جدیدنامعین معرفه نشده + وصفی	صفر	2 عدد
مجموع	14 عدد - 8/48%	28 عدد - 41/79%

جدول 9- میزان آشنایی گروههای اسمی در فیلم

در این جدول نیز مشخص است که تعداد فاعلهای اشاره شده یا به عبارتی دارای فاعل فروض بسیار بیشتر از بقیه بوده و 150 عدد بوده است که 90/9% فاعلها را تشکیل می دهند. اما تعداد فاعلهای حدس زدنی 2 و جدید 14 عدد بوده است که 9 درصد را تشکیل می دهند. بنابراین در این متن گرایش بر این بوده است که فاعلها اطلاع نو نداشته باشند و از اسامی اشاره شده استفاده شود. در مورد مفعولها هم اسامی اشاره شده بیش از بقیه موارد است اما این تفاوت مانند مقوله فاعل نیست. حدود 47 درصد مفعولها اشاره شده و بقیه حدس زدنی یا جدد بوده اند. و البته نکته مهم اینکه مفعولهای جدید حدود 42 درصد را تشکیل می دهند. پس در متن شفاهی فیلم گرایش اینگونه بوده که اکثر فاعل ها از اسامی اشاره شده تشکیل شده اند ولی نصف مفعولها از اسامی اشاره شده و بقیه از اسامی جدید تشکیل شده اند. مقایسه این جدول با جدول دیگر (3-3) آمده است.

3-2-2 اخبار

دویست جمله از اخبار صدا و سیما که دارای بار اطلاعی بوده اند برای تحلیل انتخاب شده اند. در این جملات 236 فاعل و 221 مفعول وجود داشته است. طولانی بودن جملات خبر باعث شده تعداد مفعولها و فاعل ها در مقایسه با گونه های دیگر گفتاری (فیلم) و داستان کوتاه بیشتر باشد. در میان فاعلها حدود 41 درصد اشاره شده و به همین میزان هم جدید بوده اند و حدود 14 درصد هم حدس زدن بوده اند. در مقایسه با متن شفاهی فیلم کما، تعداد فاعلهای جدید بسیار بیشتر است و در واقع از نصف هم افزونتر است. در مورد مفعولها، تعداد مفعولهای اشاره شده بسیار کم و در حدود 19 درصد است ولی مفعولهای جدید و حدس زدن حدود 80 درصد را دربردارد. این داده ها با داده های متون دیگر در بخش (3-3) مقایسه شده اند.

میزان آشنایی / نقش	فاعل	مفعول
اشاره شده	89 عدد	56 عدد
اشاره شده در موقعیت گفتگو	صفر	1 عدد
اشاره شده + وصفی	9 عدد	3 عدد
مجموع	98 عدد - 41/53%	60 عدد - 18/69%
حدس زدن (با استنتاج)	8 عدد	13 عدد
حدس زدن (از گروه اسمی)	33 عدد	68 عدد
مجموع	41 عدد - 17/38%	81 عدد - 25/22%
جدید معین	9 عدد	23 عدد
جدیدنامعین معرفی شده	13 عدد	23 عدد
جدید نامعین معرفی نشده	28 عدد	78 عدد
جدیدنامعین معرفی نشده + وصفی	45 عدد	52 عدد
جدید معین + وصفی	2 عدد	4 عدد
مجموع	97 عدد - 41/07%	180 عدد - 56/07%

جدول 10- میزان آشنایی گروههای اسمی در اخبار

3-3 نتایج تحلیل داده ها

در این بخش داده های ارائه شده در جدولهای (6 تا 10) بخش 1-3 و 2-3 با همدیگر مقایسه می شوند. در واقع سعی بر این است تا مشخص شود (الف) گرایش غالب در مورد فاعلها چگونه است، آیا آنها بیشتر حدس زدن، جدید یا اشاره شده هستند؟ در مورد مفعولها چگونه؟ آیا در مورد متون گفتاری و نوشتاری تفاوت مشخصی دیده می شود؟ اگر گونه زبانی تغییر کند، مثلاً گونه رسمی اخبار و گفتار غیر رسمی، آیا این گرایش دستخوش تغییر می شود؟ در این بخش ابتدا فاعلها را در متون مختلف بر اساس میزان آشنا بودن با همدیگر مقایسه می کنیم. جدول (11) میزان آشنا بودن فاعلها در متون مختلف را نشان می دهد.

فاعل / متن	پیرهن زرشکی	روزنامه	فیلم	اخبار
اشاره شده	84/4%	43/53%	90/9%	41/53%

حدس زدنی	%2/1	%12/4	%1/21	%17/38
جدید	%13/3	%43/5	%8/48	%71/07

جدول 11- میزان آشنا بودن فاعلها در متون مختلف

همانطور که جدول فوق نشان می دهد، اکثر فاعلها در متون مختلف فاعل اشاره شده هستند که این موضوع در مورد داستان و فیلم سینمایی بسیار چشمگیر است. اما در مورد سبکهای رسمی، یعنی روزنامه و اخبار، نسبت فاعل اشاره شده و فاعل جدید تقریباً برابر است. پس می توان گفت در سبک غیررسمی الگوی زیر برقرار است:

فاعل حدس زدنی > فاعل جدید > فاعل اشاره شده

یعنی بیشتر فاعلها اشاره شده و کمترین آنها حدس زدنی هستند. اما در مورد سبکهای رسمی طیف زیر برقرار است:

فاعل حدس زدنی > فاعل اشاره شده، فاعل جدید

همین نکته را در مورد مفعولها در جدول (12) مشاهده می کنیم.

مفعول/ متن	پیرهن زرشکی	روزنامه	فیلم	اخبار
اشاره شده	%52	%17/3	%47/76	%18/69
حدس زدنی	%10	%25/22	%10/44	%25/22
جدید	%38	%57/3	%41/79	%56/07

جدول 12- میزان آشنا بودن مفعولها در متون مختلف

در مورد مفعولها در سبکهای غیررسمی باز هم میزان مفعولهای اشاره شده بیشتر از مفعولهای جدید و حدس زدنی است، اما در مورد سبکهای رسمی این موضوع برعکس است. پس در مورد مفعولها در متون غیررسمی الگوی زیر دیده می شود:

مفعول حدس زدنی > مفعول جدید > مفعول اشاره شده

البته تعداد مفعولهای اشاره شده در این طیف نسبت به مفعولهای جدید آن قدر زیاد نیست و در مقایسه با فاعلها تفاوت کمتر است. در مورد مفعول در متون رسمی طیف ذیل دیده می شود:

مفعول اشاره شده > مفعول حدس زدنی > مفعول جدید

در واقع این طیف نشان می دهد در این متون اکثر مفعولها اسامی جدید هستند و کمتر از اسامی اشاره شده استفاده می شود.

نکته دیگری که باید اذعان کرد این است که این گرایشها که در طیفهای چهارگانه فوق قابل مشاهده است ارتباطی به نوشتاری یا گفتاری بودن متون ندارد بلکه سبک زبان بر آنها تاثیر دارد.

همانگونه که در جدول قابل مشاهده است اکثر فاعلها اشاره شده و اکثر مفعولها جدید هستند. و در مجموع تعداد تعداد اسامی اشاره شده بیش از دو مقوله دیگر است.

از جدولهای (11) و (12) می توان نتیجه گرفت اکثر فاعلها دارای اطلاع نو نیستند به همین علت از اسم اشاره شده برای آنها استفاده می شود و لی نیمی از مفعولها دارای اطلاع نو هستند به همین دلیل از اسامی جدید و حدس زدنی برای اشاره به آنها استفاده می شود. براساس مباحث مطرح در پرنس (1992) (رک بخش 2-2) اسامی اشاره شده از حیث بافت و شنونده دارای اطلاع کهنه هستند، از اینرو می توان گفت اکثر فاعلها به لحاظ بافت و شنونده دارای الاع کهنه هستند زیرا در اکثر متون فاعل

اشاره شده بیش از سایر موارد است. و از آن جا که فاعل شکل بی نشان مبتدا است می توان نتیجه گرفت مبتدا دارای اطلاع کهنه به لحاظ بافت و شنونده است. از طرفی مفعولهای حدس زدنی و جدید بیش از مفعولهای اشاره شده هستند و در واقع دارای اطلاع نو شنونده بنیاد، بافت بنیاد یا هر دو می باشند. همچنین یافته های این پژوهش اصل کونو (1979) را مبنی بر اینکه ابتدا در جملات اطلاع کهنه و سپس اطلاع نو می آید تایید می کند چون اکثر فاعل ها اطلاع کهنه و اکثر مفعولها دارای اطلاع نو هستند.

4 نتیجه گیری

یافته های این مقاله تفاوت کلامی فاعل و مفعول را نشان می دهد. بر این اساس فاعل در اکثر متون دارای اطلاع نو نیست و از اسامی اشاره شده تشکیل می شود. اما مفعول بیش از فاعل دارای اطلاع نو است و بیشتر از اسامی جدید و حدس زدنی بیشتر می شود. تفاوت سبکی متون می تواند نسبت اسامی اشاره شده و دو مورد دیگر را تا حدودی تغییر دهد.

فهرست منابع

- Chafe, W.L. 1976. *Givenness, contrastiveness, definiteness, subjects, topics and point of view* in (ed.), C. N. Li.
- De Swart, H. and H. de Hoop. 1995. "Topic and focus", *GLOT International* 1 (17):3-7.
- Lambrecht, Knud; and Polinsky, Maria. 1997. *Typological variation in sentence-focus constructions*. CLS 33 (Papers from the Panels on Linguistic Ideologies in Contact), 189-206.
- Prince, E. 1981. Toward a taxonomy of given-new information. In Cole, P., ed. *Radical Pragmatics*. NY: Academic Press. Pp. 223-56.
- Prince, E. 1983. "Topicalization, focus movement and Yeddish movement: a Pragmatic differentiation", *Proceedings of the Berkeley Linguistics Society Annual Meeting*, University of California at Berkeley.
- Prince, E. 1992 The ZPG letter: subjects, definiteness, and information-status. In Thompson, S. and Mann, W., eds. *Discourse description: diverse analyses of a fund raising text*. Philadelphia/Amsterdam: John Benjamins B.V. Pp. 295-325.
- Karimi, Simin. 1990. "Obliqueness, specificity, and discourse functions," *Linguistic Analysis* 20 (3/4): 139-191.
- Karimi, Simin . 1999a. "Specificity effect: evidence from Persian," *Linguistic Review* 16: 155-141.
- Karimi, Simin. 2003a.(ed.) *Word Order and Scrambling*. Oxford/Berlin: Blackwell Publishers.
- Karimi, Simin. 2003c. "On object positions, specificity, and scrambling in Persian," In *Word Order and Scrambling*, S. Karimi (ed.), 91-124. Oxford/Berlin: Blackwell Publishers.
- Vallduvi, Enric .1990. The Information Component. Ph.D dissertation. University of Pennsylvania.
- Vallduvi, Enric. 1992. *The Informational Component*. Garland Publishing Inc.

خزاعی فر، علی 1383. تکیه جمله در جمله ساده فارسی. نامه فرهنگستان، شماره 24 صص 30-47.

چوبک، صادق، پیرهن زرشکی. داستان کوتاه ایران. محمد بهارلو. طرح نو. 1372.

راسخ مهند، محمد 1382. ارتباط قلب نحوی و تاکید در فارسی. نخستین هم‌اندیشی دستور فارسی. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، 28 و 28 اسفند.

راسخ مهند، محمد 1383 الف. رفتار کلامی قلب نحوی در فارسی. در پژوهشهای زبانشناسی ایرانی 2 (جشن نامه دکتر یداله ثمره)، به

کوشش دکتر امید طبیب زاده و دکتر محمد راسخ مهند، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.

راسخ مهند، محمد 1383 ب. بررسی تعامل نحو واج شناسی در ساخت اطلاعی فارسی. مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبانشناسی، به

کوشش دکتر ابراهیم کاظمی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

راسخ مهند، محمد 1383 ج. جایگاه مفعول مستقیم در فارسی. نامه فرهنگستان شماره 24 صص 56-66.

معادی، پیمان، 1382. فیلمنامه‌ی کما. موسسه‌ی سینمایی پویا فیلم.